

مسائل اجتماعی قتل در ایران

عباس عبدی

یکی از پدیده‌های مشترك کلیه زمانها وجوامع «قتل نفس» است، و تقریباً یک یا چند نوع آن نیز جرم تلقی شده است، لذا برخلاف جرائم دیگر که نسبت به زمان و مکان مفهومی نسبی دارند، قتل نفس همیشه جرم شناخته شده است، با این تفاوت که در بعضی از مراحل و جوامع بشری مواردی از قتل مستثنا از جرم بوده است، مانند کشتن دختران به دست پدران در عهد جاهلیت عرب و یا کشتن افراد پیر و پدران سالخورده به دست فرزندان در بعضی جوامع ابتدائی.

قتل عمد ناشی از بروز روحيات پرخاشگری است، «همه اعمالی که سبب آسیب زدن به شخص، جانوروشی بیجان دیگری می‌شود و یا به چنین قصدی صورت می‌گیرد پرخاشجویی نامیده می‌شود»^۱ بعضیها پرخاشگری را جزء ویژگیهای «فطری» و «غریزی» دانسته‌اند، و آن را بدین صورت تعریف کرده‌اند: «انسان حیوانی پرخاشگر و ستیزه جوست»^۲ در مقابل عده‌ای او را وحشی پاك نهاد دانسته‌اند که در محیط طبیعی، وجودی سهربان، شاد و خوب است و قیود اجتماعی او را مجبور به پرخاشگری و فساد می‌کند.^۳ بدون تفکیک انواع پرخاشگری نمی‌توان به زمینه صحیحی برای فهم موضوع دست یافت، از این رو باید بین دو نوع پرخاشگری تفاوت گذاشت، «پرخاشگری از لحاظ زیستی و پرخاشگری از لحاظ زیستی غیرسازشی»^۴ پرخاشجویی از لحاظ زیستی سازشی، پاسخی به تهدید علائق حیاتی است، از لحاظ تکامل نوعی برنامه ریزی شده است، نزد جانوران و انسان مشترك است، خودانگیخته یا خودفزاينده نیست، بلکه واکنشی و دفاعی است، هدفش از میان برداشتن تهدید است، یا نابود ساختنش با دور ساختن سرچشمه‌اش «پرخاشجویی از لحاظ

زیستی غیرسازشی و بدخیم، یعنی ویرانسازی و شقاوت، دفاع در برابر تهدید نیست، از لحاظ تکامل نوعی بر ناسه ریزی نشده است، تنها ویژه انسان است و از لحاظ زیستی زیان آور است، زیرا از لحاظ اجتماعی خانمانسوز است، نمایشهای عمده اش - کشتار و شقاوت - بدون آنکه نیاز به قصد دیگری باشد شادابخش است، نه تنها برای شخصی که مورد هجوم قرار می گیرد که برای هجوم آورندگان نیز زیان آور است، پرخاشجوئی بدخیم، گرچه غریزه نیست، توانائی انسان است، که دقیقاً در اوضاع هستی انسان ریشه دارد^۴»

از میان همه موقعیتهای ملال انگیز «ناکامی» مهمترین عامل در ایجاد پرخاشگری است.^۵ ناکامی یعنی «حالت نامطبوع، تنش و اضطراب و فعالیت ناشی از جلوگیری یا خنثی کردن رفتاری که متوجه یک هدف است همچنین حالت ارضاء نشدن یک انگیزه^۶» پس به طور خلاصه هنگامی که شرایط اجتماعی سبب ناکامی بیشتر افراد آن جامعه می شود، و از طرف دیگر زمینه های یادگیری پرخاشگری در آن جامعه فراوانتر است طبیعی است که قتل به عنوان یکی از نمونه های پرخاشگری نیز افزایش یابد.

قتل در ایران

در ابتدا باید بین انواع مختلف قتل تفاوت قایل شد، قتل های مشروع را که از طرف قدرت قانونی و از طریق حاکمیت اعمال می شود باید از قتل های غیر مشروع جدا شود، در قتل های غیر مشروع نیز می بایست بین قتل عمد با غیر عمد و شبه عمد تفاوت قایل بود، به هر حال آنچه مورد بحث ماست قتل های عمد است که ملاک تشخیص آن نیز تعیین دادگاهها است.^۷ تفکیک دیگری که صورت می پذیرد قتل های سیاسی از قتل های عادی است، ترورهای سیاسی ناشی از درگیری نظامی یک گروه با حاکمیت است و ربط چندانی بین قاتل و مقتول ندارد. آن دسته از قتل های عمد که در دادرسی های عمومی مورد بررسی قرار گرفته اند موضوع تحقیق حاضرند، این قتلها را می توان در چند گروه کلی زیر تقسیم نمود.

الف: قتل هایی که در حالت خارج بودن از وضعیت عادی، یا در حالت بیماری روانی و نیز تحت تأثیر مواد مخدر و الکل صورت پذیرفته است. البته در صورت اثبات این مسئله، قتل، شبه عمد تلقی خواهند شد.

ب: قتل هایی که برای پنهان نمودن جرم دیگری صورت پذیرفته است، مثلاً سارق که در اثر ترس از شناخته شدن اقدام به قتل می نماید، یا بعضی از قتل هایی که پس از تجاوز جنسی صورت می گیرد.

ج: قتل های ناشی از اختلافات فکری و اخلاقی که عمدتاً بین خانواده ها خصوصاً زن و شوهر و یا حتی بچه ها بر روی می نماید.

د: قتل‌های ناشی از اختلافات قومی و قبیله‌ای که خصوصاً در مناطق روستایی و عشایری ایران بسیار اتفاق می‌افتند، و چون در این مناطق سلاح گرم نیز یافت می‌شود، این اختلافات منجر به درگیری‌های خونین جمعی می‌شود، بعضاً این درگیری‌ها بین اهالی یک روستا سال‌های سال ادامه داشته و باعث کشته شدن تعداد زیادی از طرفین شده است، یکی از نمونه‌های آن روستای کلاته خونی است که پس از انقلاب به دو روستای فاصله ۳ کیلومتر تقسیم شده است تا اختلافات مجال بروز نیابد.^۸ مشابه این مساله در روستای جنارشیخ از توابع اسدآباد همدان مشاهده می‌گردد، در میان قبایل لر آداب و سنت‌های مربوط به قتل بیش از دیگر مناطق وجود وریشه دارد.

ه: قتل‌های جنسی و ناموسی که تقریباً بیشترین نسبت را شامل می‌شود، بعضاً به دلیل مقاومت جوان یا زن در مقابل قصد تجاوز دیگران رخ می‌دهد، بعضاً متجاوز اقدام به قتل مجنی علیه می‌کند و در مواردی هم خود مورد تجاوز قرار گرفته بعداً فاعل خود را می‌کشد و در موارد متعددی نیز زن یا دختری که دارای رابطه نامشروع بوده به دست پدر، همسر و یا دیگران کشته می‌شود، شایعترین این مورد در میان قبایل خوزستان است، مثلاً در سال ۱۳۶۵ حداقل ۲۵ زن و دختر بدلیل رابطه نامشروع به قتل رسیده‌اند که ۲۰ مورد به دست پسرعمو و برادر بوده است، در تیرماه سال ۱۳۶۷ نیز حدود ۸ مورد از قتل‌های فوق گزارش شده است.

و: قتل‌های مالی و ملکی نیز از موارد شایع است، و بیشتر در روستاها رخ می‌دهد زیرا دستگاه‌های اداری جدید که برای رفع اختلافات بوجود آمده است با نظام سنتی حل اختلاف در روستاها انطباق ندارد، و یا روستاییان و افراد کم‌سواد با آن آشنایی کافی ندارند، در نتیجه اقدام به راه‌حلهای شخصی می‌کنند، اختلافات مربوط به چراگاه‌ها بین عشایر، اختلافات بین اهالی یک روستا در خصوص اراضی و حق آبه و غیره از این موارد هستند.

ز: تعداد زیادی از قتل‌ها را نمی‌توان در عنوان بخصوصی دسته‌بندی نمود، مثلاً قتل‌های ناشی از شوخی، یادعوی ساده، افراط در تنبیه فرزند، سر به نیست کردن طفل سریض، کشتن فرزند معتاد و غیره.

همچنین تعداد بسیار کمی از قتل‌های عمد نیز از این تحقیق مستثنی شده‌اند، که آنها را قتل‌های ویژه می‌نامیم، زیرا رابطه شناخته شده‌ای بین قاتل و مقتول وجود نداشته است، در نتیجه مقتول انتظار قتل را نداشته و قتل عمد بیشتر به دلیل نوعی بیماری در قاتل بوقوع پیوسته است، به همین دلیل قاتل در این گونه موارد موفق می‌شود تعداد زیادی را بکشد و دستگیری او نیز کاملاً اتفاقی است.

مثلاً فردی که طی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۶۵ در تهران و شهرستانها حدود ۴ زن را به قتل رساند از این موارد است.

بعد از انقلاب در بعضی زمینه‌های مربوط به قتل تغییراتی بوجود آمد، از جمله تغییر

در شرایط اجتماعی مثل کارکرد نیروهای انتظامی شهربانی و ژاندارمری و تغییر در ادعاهای مالی و ملکی خصوصاً در روستاها و نیز بی‌ثباتی اجتماعی و افزایش مهاجرت در اثر جنگ تحمیلی تغییر دیگر در زمینه قوانین جزایی است، که مجازات قتل عمد قصاص تعیین شد، در حالی که در گذشته تحت شرایط خاصی کیفر قتل اعدام بود، همچنین افزایش مجازات بعضی جرایم دیگر مثل زنای محصنه، تجاوز به عنف و لواط و غیره. تغییر بعضی از قوانین مدنی و حقوقی هم مثل قوانین طلاق احتمالاً در میزان و نوع قتلها موثر بوده است، ولی در هر حال مطالعه تاثیر تغییر قوانین در میزان جرایم نیازمند بحث دیگری است. تغییر دیگر، افتادن سلاحهای گرم در مناطق غربی و جنوبی کشور به دست مردم بود که در تعداد قتلها موثر بوده است. و بالاخره حضور پناهندگان افغانی بابافت عشایری و روستایی و ناآشنایی آنها با دستگاههای حل اختلاف ایران سبب افزایش قتل شده است

هدف تحقیق

باتوجه به اینکه تحقیق جامع و مانعی در خصوص ابعاد مختلف قتل در ایران صورت پذیرفته است، لذا هدف این تحقیق محدود به ارائه تصویری نسبتاً کامل از جوانب مساله قتل در ایران و سپس توصیف خصوصیات مختلف سرتکبین و قربانیان قتل است، تا در آینده زمینه‌ای باشد برای کسانی که خواستار تعیین پدیده قتل در ایران هستند.

روش تحقیق

پس از مطالعات اولیه و جمع‌آوری آمار مورد قبول، روش تکمیل پرسشنامه برگزیده شد، و به علت آنکه اکثر قاتلین بی‌سواد یا کم سواد بودند، تکمیل پرسشنامه از طریق مصاحبه صورت پذیرفت، جامعه مورد مطالعه زندانیان متهم یا محکوم به قتل در سراسر ایران بوده است، و چون اکثریت قریب، اتفاق این زندانیان در مراکز استانها زندانی هستند، سعی شد که از همه استانها پرسشنامه تکمیل شود، نمونه آماری انتخاب شده شامل ۳/۱ کل زندانیان قبل بوده است که از طریق تصادفی و پس از ثبت اساسی آنها به ترتیب ۳ درمیان انتخاب و مصاحبه شده‌اند، این عمل در هر استان برای زندان زنان و مردان و اطفال (در صورت وجود) جداگانه صورت پذیرفته است. اطلاعات حاصل از طریق کامپیوتر (PC) و با استفاده از برنامه آماری SPSS استخراج و از روش‌های آماری x^2 ، آنالیز واریانس، و رگرسیون برای تحلیل روابط استفاده شده است.

نقاط ضعف تحقیق حاضر را نیز باید مورد ملاحظه قرارداد، اولاً: به دلیل آنکه بسیاری از پرسش‌شونده‌ها متهم به قتل بوده‌اند احتمالاً ازدادن جواب صحیح طفره رفته‌اند، لذا در مورد سئوالهایی که احتمال داشت بیشتر به آنها جواب غلط داده شده باشد باید جانب احتیاط را از

دست قداد، ثانیاً: مادرصد آن نبوده‌ایم که بین قاتلینی که در دفاع از خود کسی را کشته‌اند و یا رسماً اقدام به قتل کرده‌اند تفکیکی قایل شویم، زیرا این امر بسیار مشکل و پرهزینه می‌شد لذا از این دو نوع قتل تحت یک عنوان نام برده شده است.

ثالثاً: به دلیل قصاص، پایان محکومیت و آزادی قاتلان سالهای قبل، بیشتر قتل‌های مورد بررسی مربوط به دو سال اخیر بوده‌اند و لذا امکان مقایسه بین قتل‌های گذشته و سالهای اخیر در این تحقیق میسر نشد، و این امر ناشی از جامعه آماری مورد انتخاب بود که به زندانیان محدود بود.

یافته‌ها

الف: آمار کلی

تعداد موجودی محکومان و متهمان به قتل در سالهای اخیر نسبت به قبل کاهش داشته است، اما این موضوع احتمالاً ناشی از کاهش قتل نیست بلکه به علت اجرای قانون مجازات اسلامی است که اکثر احکام یا منجر به قصاص، دیه و یا جلب رضایت شده است، این موضوع از مقایسه نسبت میان محکومان و متهمان در این سالها روشن است.^۱

جدول ۱

تعداد زندانیان متهم و محکوم به قتل طی سالهای ۶۰-۶۶ (اسفندماه)

سال	۶۰	۶۲	۶۴	۶۶
متهم	۱۷۶۴	۲۱۲۲	۲۱۰۱	۱۹۹۲
محکوم	۲۲۷۹	۲۱۵۱	۱۳۲۹	۹۷۷
جمع	۴۰۴۱	۴۲۷۳	۳۴۳۰	۲۹۶۹

ب: عوامل فردی

نسبت مردان در میان قاتلین مورد مطالعه ۹۳/۵ درصد است در حالی که این نسبت در میان مقتولان به ۸۲/۵ درصد می‌رسد، به عبارت دیگر نسبت زنان مقتول بیش از ۳ برابر زنان قاتل است.

متوسط سن قاتلان هنگام ارتکاب قتل برابر ۲۸/۹ سال است، این میزان برای قاتلان سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۹ به ترتیب برابر ۳۴/۲ و ۳۱/۰ سال است،^۱ تفاوت بین دو سال اخیر در سطح ۱٪ معنی‌دار است. مهمترین تغییر مربوط به افزایش قاتلان در سنین ۲۰ تا ۲۴ سال در ۱۳۵۹ است، در حالی که کاهش سن قاتلان سالهای اخیر (یعنی سالهای ۶۶-۶۴) مربوط

بہ افزایش تعداد قاتلین در سن ۱۵-۱۹ سال است. بطور کلی بحاسبہ ۲ بین سن قاتلین مشاهده شده و سورد انتظار نشان می دهد که افراد ۲۰-۳۰ سال بیشتر مرتکب قتل می شوند.

جدول ۲

توزیع فراوانی سن قاتلان مشاهده شده و سورد انتظار ۱۱

سن	۱۹-۲۰	۲۴-۲۵	۲۹-۳۰	۳۴-۳۵	۳۹-۴۰	۴۴-۴۵	جمع
مشاهده شده	۱۳۴	۲۱۶	۱۵۸	۸۷	۶۱	۳۶	۷۸۲
سورد انتظار	۱۵۳	۱۲۱	۱۰۴	۸۳	۵۹	۴۷	۷۸۲
	۲/۴	۷۴/۶	۲۸/۰	۰/۲	۰/۱	۲/۶	۷۲/۷
							۱۸۰/۵
							$\chi^2 = 180/5$
							df=1
							sig=0/0000

سن قاتلان ساکن در شهر نزدیک به ۴ سال کوچکتر از قاتلان روستا است. این تفاوت در سطح ۰/۰۰۰۰ معنی دار است متوسط سن مقتولان برابر ۳۳/۱ سال است و بطور متوسط ۴/۲ سال از قاتلان بزرگتر هستند، ضریب همبستگی بین سن قاتل و مقتول نشان می دهد که $R = 0/29$ می باشد و در سطح ۰/۰۰۰۰ معنی دار است به عبارت دیگر قتل های واقع شده بیشتر در گروه های سنی مشابه صورت پذیرفته است.

حدود ۴۵٪ قاتلین باسواد هستند

جدول ۳

توزیع فراوانی قاتلان بر حسب سواد آنها و نسبت سورد انتظار

وضعیت سواد	تعداد	درصد	سورد انتظار	χ^2
بی سواد	۳۵۸	۴۵/۳	۲۵۷	۳۹/۷
۲-خواندن و نوشتن تا ابتدایی	۲۴۸	۳۱/۴		
۳-راهنمایی و دبیرستان	۱۳۳	۱۶/۸	۵۳۳	۱۹/۱
۴-دیپلم و بالاتر	۵۱	۶/۵		
جمع	۷۹۰	۱۰۰/۰	۷۹۰	۵۸/۸
				$\chi^2 = 58/8$
				df=3
				sig=0/0000

نتایج فوق نشان دهنده اهمیت عامل بی سوادی در افزایش قتل است. اگر این اهمیت به تفکیک برای شهر و روستا محاسبه شود متوجه می شویم که بی سوادی در شهر اهمیت بیشتری دارد به طوری که در شهرها بی سوادان ۲ برابر سورد انتظار قتل انجام می دهند، ولی این نسبت در روستا به ۱/۲ برابر می رسد.

گرچه به علت بالاتر بودن سن مقتولان و تعداد بیشتر زنان، انتظار می رود که سطح سواد در میان آنها پائینتر از قاتلان باشد، ولی مشاهده می شود که تعداد بی سوادان در مقتولان بالای ۱۰ سال کمتر از بی سوادان در قاتلان است. مجموعاً مطالب فوق اهمیت بی سوادی را در ترجیح روشهای خشن و شخصی حل اختلاف روشن می سازد. رابطه سواد قاتل و مقتول نشاندهنده آن است که دو گروه بی سوادان و باسوادان در میان خود دارای تنش و برخورد بیشتری هستند. ضریب همبستگی بین این دو متغیر بیش از 0.2 + و سطح معنی داری آن 0.0001 است.

حدود $9/5$ درصد قاتلان را پناهندگان افغانی تشکیل می دهند و با توجه به اینکه کمتر از 4% جمعیت ایران را تشکیل می دهند، مشخص می شود که افغانها به صورتی چشمگیر قتلهای بیشتری مرتکب می شوند، ولی در هر حال این قتلها بیشتر «درون ملیتی» هستند و ضریب همبستگی بین ملیت قاتل و مقتول برابر 0.8 است. نزدیک به 31% قاتلان را افراد مجرد تشکیل می دهند و بقیه کسانی هستند که حداقل یکبار ازدواج کرده اند، مقایسه تعداد مجردان مشاهده شده و مورد انتظار نشان می دهد که افراد متاهل به نسبت بیشتری مرتکب قتل می گردند.

جدول ۴

تعداد قاتلان بر حسب وضعیت تاهل و میزان مورد انتظار آن

وضع تاهل	تعداد مشاهده شده	درصد	تعداد قابل انتظار	χ^2
مجرد	۲۴۳	$30/8$	۳۱۴	$16/1$
متاهل	۵۴۷	$69/2$	۴۷۶	$10/6$
جمع	۷۹۰	$100/0$	۷۹۰	$26/7$
		$Sig = 0.0001$	$df = 1$	$\chi^2 = 26/7$

ضریب همبستگی بین وضعیت قاتل و مقتول برابر 0.32 می باشد و نشاندهنده آن است که قتلهای واقع شده به نسبت بیشتری در درون هر کدام از دو گروه مجرد و متاهل صورت پذیرفته است.

ج: عوامل اقتصادی

نسبت بیکاری در قاتلان مرد بالای ۱۵ سال برابر $4/5\%$ می باشد، این نسبت برای مردان بالای ۱۵ سال در کل کشور با توزیع نسبی مشابه نمونه مورد بررسی برابر $12/6$ است که محاسبه χ^2 نشان می دهد در سطح 0.0001 شاغلان به نسبت بیشتری مرتکب قتل می گردند، این نتیجه احتمالاً بدان سبب است که وارد شدن دوشغل سبب افزایش مسایل و

برخورد می‌گردد، همچنین ممکن است افرادی که در شرایط مساوی در بدست آوردن شغل توانایی بیشتری دارند، روحیات پرخاشگرانه افزونتری نیز داشته باشند.

د: عوامل مکانی و زمانی

حدود ۷۴٪ قاتلان ساکن شهرها بوده‌اند و این درصد از میزان مورد انتظار آن کمتر می‌باشد

جدول ۵

توزیع فراوانی مشاهده شده و قابل انتظار قاتلان برحسب محل سکونت

محل سکونت	تعداد مشاهده شده	درصد	تعداد مورد انتظار	χ^2
شهر	۳۴۵	۴۶/۷	۴۲۶	۱۵/۴
روستا	۳۹۴	۵۳/۳	۳۱۳	۲۱/۰
جمع	۷۳۹	۱۰۰/۰	۷۳۹	۳۶/۴
				$\chi^2 = ۳۶/۴$
				df = ۱
				Sig = . /

قتل‌های واقع شده در فصول مختلف سال حاکی از آن است که بطرز کاملاً معنی‌داری تعداد قتل‌ها در تابستان و بهار نسبت به زمستان و پاییز بیشتر است.

جدول ۶

فراوانی قتل‌های واقع شده در فصول مختلف

فصل	مقدار مشاهده شده	درصد	مقدار مورد انتظار	χ^2
بهار	۲۲۱	۳۰/۶	۱۸۴	۷/۴
تابستان	۲۱۸	۳۰/۱	۱۸۴	۶/۳
پائیز	۱۲۸	۱۷/۷	۱۷۹	۱۴/۵
زمستان	۱۵۶	۲۱/۶	۱۷۶	۲/۳
جمع	۷۲۳	۱۰۰/۰	۷۲۳	۳۰/۵
				$\chi^2 = ۳۰/۵$
				df = ۱
				Sig = . /

همچنین بیشتر قتل‌ها در ساعات بعد از ظهر صورت می‌پذیرد.

جدول ۷

توزیع فراوانی قتل‌ها برحسب ساعت وقوع

ساعت وقوع	تعداد مشاهده شده	درصد	تعداد مورد انتظار	χ^2
در ساعت ۶ تا ۱۳	۱۹۷	۳۲/۶	۲۰۱/۳	۰/۱

از ساعت ۱۴ تا ۲۱	۲۷۵	۴۵/۵	۲۰۱/۳	۲۷/۰
از ساعت ۲۲ تا ۵	۱۳۲	۲۱/۹	۲۰۱/۳	۲۳/۹
جمع	۶۰۴	۱۰۰/۰	۶۰۴/۰	۵۱/۰
			df=۲	Sig = ./. . . .
				x ₂ = ۵۱/۰

و: عوامل دیگر

حدود ۱۱/۳ درصد مقتولان، همسر قاتل بوده‌اند و ۴/۵ درصد دیگر خویشاوندان نزدیک و بیشترین نسبت هم‌بایکدیگر هم‌محل بوده‌اند (۲۵/۶ درصد). قاتلانی که همسران و فامیل درجه ۱ خود را کشته‌اند به نسبت بیشتری روحیه خود را هنگام قتل عصبانی توصیف کرده‌اند، در مقابل قاتلانی که افراد غریبه را کشته‌اند حالت خود را به نسبت بیشتری ترسیده ذکر کرده‌اند نزدیک به ۳۷ درصد قتلها با مشارکت خود و یا افراد دیگری صورت پذیرفته است و زنان به نسبت بسیار بیشتری در مقایسه با مردان قتل‌های شراکتی مرتکب شده‌اند. نزدیک به ۲۲/۸ درصد قتلها با سلاح گرم و ۵۵/۱۹ درصد با سلاح سرد و ۱۰/۳ درصد با خفگی انجام یافته است. ۲۶/۲ درصد اختلافات منجر به قتل دارای سابقه طولانی مدت و ۴۲/۹ درصد میان مدت و ۳۰/۹۹ درصد آن بدون سابقه و آنی بوده است. حدود نیمی از اختلافات میان مدت و طولانی مدت قبلا حداقل یکبار در مراجع رسمی و غیررسمی مطرح شده بوده‌اند. ۱۱/۰ درصد قاتلان بنحوی سابقه محکومیت داشته‌اند، نسبت قاتلین سابقه‌دار در شهرها نزدیک به ۲ برابر آنها در روستاها می‌باشد.

ز: متغیرهای وابسته

سهم‌ترین متغیرهای وابسته این تحقیق علت قتل، پذیرش جرم، مقصرین دیگر و راه حل پیشگیرانه می‌باشند.

جدول ۸

توزیع فراوانی قتلها بر حسب علت

علت قتل	تعداد	درصد
۱- خارج بودن از حالت عادی	۲۵	۳/۸
۲- پنهان کردن جرم دیگر	۴۳	۶/۵
۳- فکری و اخلاقی	۱۰۳	۱۵/۵
۴- جنسی و ناپوسی	۱۵۰	۲۲/۶
۵- قومی و قبیله‌ای	۶۹	۱۰/۴

۶- مالی و ملکی	۱۴۱	۳۱/۲
۷- سوار دیگر	۱۳۴	۲۰/۱
جمع	۶۶۵	۱۰۰/۰

مردان در مقایسه با زنان بیشتر مرتکب قتل‌های قومی و مالی می‌شوند و زنان به نسبت بیشتری مرتکب قتل‌های اخلاقی و جنسی می‌شوند، همچنین مردان به نسبت بیشتری به علت مسایل قومی و مالی کشته می‌شوند در حالی که زنان به نسبت بیشتری بدلیل مسایل جنسی به قتل می‌رسند. هر دو حالت مبین نقش تعیین شده برای زنان در عرضه اجتماعی ایران می‌باشد. افرادی که مرتکب قتل‌های قومی و مالی می‌شوند، دارای متوسط سن ۳۱/۲ سال می‌باشند، ولی قاتلان قتل‌های متفرقه و پوشاندن جرم دیگر به طور متوسط حدود ۲۵/۶ سال دارند. تفاوت سن قاتل و مقتول در مورد قتل‌های پوشاندن جرم دیگر به ۱۵/۶ سال می‌رسد در حالی که در قتل‌های جنسی این تفاوت به ۱/۶ سال بالغ می‌گردد. افرادی که قتل‌های مالی و قومی مرتکب می‌شوند دارای سطح سواد پایینی در مقایسه با افرادی هستند که قتل‌های خارج از حالت عادی را مرتکب می‌گردند. پناهندگان افغانی در مقایسه با ایرانیان به نسبت بیشتری مرتکب قتل‌های با انگیزه پنهان نمودن جرم دیگر و انگیزه‌های مالی می‌گردند، در حالی که ایرانیان بیشتر مرتکب قتل‌های غیرعادی و اخلاقی می‌شوند. قتل‌های متفرقه به نسبت بیشتری از طرف افراد مجرد صورت می‌پذیرد در حالی که متأهلان بیشتر مرتکب قتل‌های قومی و اخلاقی می‌شوند. کارمندان و کارگران استخدامی به نسبت بیشتری مرتکب قتل‌های اخلاقی و کارگران فنی مرتکب قتل‌های جنسی و دامداران و کشاورزان مرتکب قتل‌های قومی و مالی و مشاغل متفرقه مرتکب قتل‌های متفرقه می‌شوند.

در روستاها قتل‌های قومی و مالی به ترتیب بیش از ۳ و ۲ برابر شهرها اتفاق می‌افتد، در حالی که در شهرها قتل‌های با انگیزه پوشاندن جرم دیگر و جنسی به ترتیب ۳ و ۱/۵ برابر روستا بوقوع می‌پیوندد.

علت قتل رابطه معنی‌داری با فصل وقوع ندارد، قتل‌های مالی به نسبت بیشتری در صبح و جنسی در شب و قومی در بعد از ظهرها اتفاق افتاده‌اند. در قتل‌های جنسی به نسبت بسیار بیشتری همسر و فامیل درجه ۱ و در قتل‌های مالی و قومی، فامیل درجه ۲ و در قتل‌های متفرقه افراد غریبه کشته شده‌اند، قتل‌های قومی به نسبت افزونتری بوسیله سلاح گرم و قتل‌های جنسی با روش خفگی و متفرقه با وسایل دیگر انجام یافته است.

قتل‌های قومی و مالی به نسبت بیشتری دارای سابقه اختلاف طولانی مدت و قتل‌های جنسی میان مدت و متفرقه کوتاه مدت بوده‌اند. همچنین اختلافات منجر به قتل‌های مالی و قومی به نسبت زیادتری در مراجع رسمی و غیررسمی مطرح شده بودند، در حالی که این موضوع برای اختلافات اخلاقی برعکس است.

جوانان در مقایسه با بزرگترها به نسبت بالاتری به اتهام انتسابی اقرار می‌نمایند، در مقابل روستائیان به نسبت کمتری شهریان اتهام قتل را قبول می‌کنند. تفاوت اصلی از این نظر بین انواع قتلهاست، مرتکبین قتلهای جنسی ده برابر بیش از قتلهای قومی به قتل اقرار می‌کنند و به همین دلیل هم به نسبت بسیار بیشتری این نوع قتلها با قصد قبلی صورت پذیرفته است، در حالی که قتلهای متفرقه عموماً بدون قصد قبلی واقع شده است.

ایرانیان به نسبت بیشتری از افغانها اختلافات خود را در مراجع رسمی و غیررسمی طرح کرده‌اند، و پس از وقوع قتل هم به نسبت بیشتری راه حل پیشگیری از قتل را مراجعه به مرکز قضایی و گذشت عنوان نموده‌اند، در حالی که افغانها هیچ راه حل را برای پیشگیری از وقوع قتل مناسب نمی‌دانستند. همچنین افراد مجرد در مقایسه با متأهلان بیشتر «گذشت» را پیشنهاد نموده‌اند، ولی متأهلان مراجعه به مراکز قضایی را بیشتر پیشنهاد کرده‌اند. اختلافات منجر به قتل در روستاها به نسبت بیشتری از شهرها دارای سابقه طولانی مدت بوده است و شاید به همین دلیل هم اختلافات روستا بیشتر در مراجع رسمی و غیررسمی طرح شده است. قاتل در قتلهای جنسی و متفرقه به نسبت بیشتری طرف مقتول را مقصر شناخته است در حالی که در قتل‌های مالی و قومی اقوام مقتول به عنوان مقصر شناخته شده‌اند. قاتلان قتلهای مالی و قومی به عنوان یک راه حل پیشگیرانه، مراجعه به مراکز قضایی، و در قتلهای اخلاقی، مشاوره و گذشت را پیشنهاد کرده‌اند در حالی که در قتلهای جنسی به نسبت بیشتری «هیچ راه حل» را مانع از وقوع قتل ندانسته‌اند.

ح: جدول چند بعدی

برای پیدا کردن روابط علی بین متغیرهای مستقل و یک متغیر وابسته می‌توان از روش‌های رگرسیون چند متغیری و آنالیز واریانس سود جست تا تاثیر خالص متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نشان داد این روش بشرطی مسیر است که متغیر وابسته از نوع متغیرهای پیوسته باشد ولی در صورتی که متغیر رسمی باشد می‌توان از جداول چند بعدی بهره جست و احذاف متغیرهای مستقل مناسب به بیشترین همبستگی بین یک متغیر مستقل و متغیر وابسته دست یافت.

علت قتل

- بیشترین همبستگی بین علت قتل با متغیرهای مستقل و نیمه مستقل به ترتیب زیر است
- ۱- محل وقوع قتل (شهر یا روستا) ۰/۳۳
 - ۲- جنسیت مقتول (زن یا مرد) ۰/۳۲
 - ۳- طرح اختلاف ۰/۳۰

۴- شریک قتل

۰/۳۰

۵- سابقه اختلاف

۰/۲۸

در صورتی که جداول چندبعدی بین متغیرهای فوق باعث قتل تهیه شود نتایج زیر حاصل می شود.

جدول ۹

توزیع علل قتل برحسب محل واقعه در شرایط:

(سابقه اختلاف طولانی مدت) (اختلاف در مراجع رسمی طرح شده) (مقتول مرد)

محل	علت	مالی	قومی	جنسی	متفرقه	اخلاقی	جمع
روستا	۲۶	۱۱	۴	۴	۴	۲	۴۷
	۵۵۳	۲۳۴	۸۵	۸۵	۸۵	۴۳	
شهر	۱	۳	۰	۰	۲	۶	۱۲
	۸۳	۲۵۰	۰	۰	۱۶۷	۵۰۰	
جمع	۲۷	۱۴	۴	۴	۶	۸	۵۹

$\chi^2 = ۲۱/۰۲$ $df = ۴$ $sig = ۰/۰۰۰۳$ $v = ۰/۶۰$

۱- چون در جداول چندبعدی اعضای هرخانه جدول کم شده و روابط معنی دار نمی گردند لذا از متغیر شریک قتل صرف نظر شده و تنها ۴ متغیر راهمزمان باعث قتل در رابطه قرار می دهیم.

جدول فوق نشان می دهد که قتلها با سابقه اختلاف طولانی مدت و طرح شده در مراجع رسمی که مقتولان آن مرد باشند در روستاها ۴ برابر شهرها اتفاق می افتد و این نسبت حدوداً بترتیب برای قتلهای مالی ۲۶ برابر و قومی ۴ برابر و اخلاقی یک سوم می باشد.

جدول ۱۰

توزیع علل قتل برحسب محل وقوع در شرایط:

(سابقه اختلاف میان مدت) (مطرح نشده در مراجع مختلف) (مقتول زن است)

محل	علت	جنسی	اخلاقی	جمع
روستا	۹	۲	۱۸۷۲	۱۱
شهر	۲	۵	۷۱۲۴	۷
جمع	۱۱	۷		۱۸

$$\Phi = . / . ۵۳ \quad \text{sig} = . / . ۲۵ \quad \text{df} = ۱ \quad x = ۵ / ۱$$

همان‌طور که از این جدول برمی‌آید در روستاها زنان بیشتر به علت مسایل جنسی و در شهرها بیشتر به دلایل اخلاقی کشته می‌شوند.

جدول ۱۱

توزیع علل قتل بر حسب محل وقوع در شرایط:
(سابقه اختلاف کوتاه مدت و آنی) (در مراجع مختلف طرح نشده) (مقتول مرد است)

محل	علت	قوسی	مالی	غیرعادی	اخلاقی	جنسی	متفرقه	جمع
روستا	۴	۲۱	۳	۸	۷	۱۳	۵۶	
شهر	۰	۶	۳	۱۲	۱۰	۳۳	۶۴	
جمع	۴	۲۷	۶	۲۰	۱۷	۴۶	۱۲۰	

$$\chi^2 = ۲۱ / ۹۲ \quad \text{df} = ۵ \quad \text{sig} = . / ۵ \quad \nu = . / ۴۳$$

در شرایط سابقه اختلاف کوتاه مدت و آنی و مطرح نشده در مراجع رسمی که مقتولان نیز مرد هستند تعداد قتلها در شهرها بیش از روستاهاست و این نسبت بیشتر به دلایل متفرقه و جنسی و اخلاقی است در حالی که در این موارد در روستاها بیشتر قتلها به دلایل قوسی و مالی اتفاق افتاده است.

جدول ۱۲

توزیع علل قتل برحسب محل وقوع در شرایط:

(سابقه اختلاف میان مدت) (اختلاف در مراجع رسمی و غیررسمی طرح شده) (مقتول مرد است)

محل	علت	قومی	اخلاقی	مالی	جنسی	متفرقه	جمع
روستا	۱۰	۵	۱۱	۵	۱	۳۲	
	۳۱۲۳	۱۵۲۶	۳۴۲۴	۱۵۲۶	۳۲۱		
شهر	۱	۱	۴	۱۱	۴	۲۱	
	۴۲۸	۴۲۸	۱۹۲۰	۵۲۲۴	۱۹۲۰		
جمع	۱۱	۶	۱۵	۱۶	۵	۵۳	

$$\chi^2 = ۱۵/۷۴ \quad df = ۴ \quad sig = ./.۰۰۳۴ \quad v = ./.۰۵۵$$

قتلهای با سابقه اختلاف میان مدت و طرح شده در مراجع مختلفی که مقتول آن مرد است در روستاها به نسبت ۱/۵ برابر شهرها اتفاق می افتد این نسبت برای قتلهای قومی و قبیله‌ای به حدود ۱۰ برابر، اخلاقی ۵ برابر، مالی ۳ برابر و جنسی نصف و متفرقه یک چهارم می رسد.

جدول ۱۳

توزیع علل قتل برحسب محل وقوع تحت شرایط:

(سابقه اختلاف میان مدت) (در مراجع مختلف طرح نشده) (مقتول مرد است)

محل	علت	قومی	مالی	اخلاقی	جنسی	غیرعادی	پوشاندن	متفرقه	جمع
روستا	۱۱	۲۳	۱۶	۱۵	۱	۰	۲	۶۸	
	۳۳۲۸	۲۳۲۵	۲۲۲۱	۱۲۵	۰	۰	۲۲۹		
شهر	۰	۹	۱۰	۱۵	۲	۲	۱۳	۵۱	
	۰	۱۷۲۶	۱۹۲۶	۲۹۲۴	۳۲۹	۳۲۹	۲۵۲۵		
جمع	۱۱	۳۲	۲۶	۳۰	۳	۲	۱۵	۱۱۹	

$$\chi^2 = ۲۷/۰۳ \quad df = ۶ \quad sig = ./.۰۰۰۱ \quad v = ./.۰۴۸$$

نسبت قتل‌های واقع شده در اختلافات میان مدت و مطرح نشده در مراجع مختلفی که مقتولان آن مرد است در روستاها بیش از شهرهاست، این نسبت بترتیب در قتل‌های قومی، مالی و اخلاقی بیشتر است ولی در قتل‌های متفرقه بسیار کمتر از شهرهاست.

چارچوب قتل

اگرچه در شروع تحقیق و تدوین پرسشنامه خود را مقید به پیروی از نظریه‌جامعی که توان تبیین بخش مهمی از پدیده قتل را داشته باشد نکردیم، لیکن پس از آشنائی مقدماتی با مسائل قتل و مشاهده نتایج تحقیق اکنون می‌توانیم به ارائه چارچوبی کلی پردازیم تا پدیده قتل در قالب این چارچوب قابل تفهیم و تفسیر باشد، البته اثبات یاردهایی این چارچوب احتیاج به تحقیقی دیگر با اندازه‌گیری متغیرهای جدید دارد.

برای تفسیر و تبیین قتل و نیز موارد دیگر مثل ضرب و جرح باید به دو مؤلفه متفاوت توجه نمود. الف- میزان برخورد یا تقابل ب- نحوه حل مشکلات

۱- میزان برخورد یا تقابل

اولین مطلبی که در خصوص قتل عمد و ضرب و جرح مطرح است ضرورت وجود نوعی تقابل در موضوعی معین بین طرفین قتل یا درگیری می‌باشد تفاوت در میزان برخورد در جوامع و افراد مختلف تاثیر مستقیمی بر میزان درگیری و تقابل بین افراد آن جامعه دارد تغییر در میزان برخورد ممکن است به دو طریق صورت پذیرد.

الف: تغییر در مفهوم برخورد

در تحولات اجتماعی ممکن است به مرور زمان تصور افراد نسبت به موضوع برخورد تغییر پیدا کند، این تصور بر حسب جوامع مختلف یا یک جامعه در زمانهای گوناگون با یکدیگر فرق دارد به عنوان مثال یک فرد اروپایی نسبت به رابطه خواهر یا دخترش با دیگران نظر منفی و سختی ندارد در حالی که این امر از نظر یک ایرانی یک برخورد بسیار بد تلقی می‌شود و در نهایت سبب ایجاد مسایل و درگیری‌هایی بین طرفین خواهد شد. در صورتی که چنین وضعی در میان قبایل عرب خوزستان بوجود آید به احتمال قریب به یقین دختر یا خواهر به وسیله پدر یا

برادرش کشته خواهد شد. بنابراین اولین قدم برای تبیین علت قتل تعیین مفاهیم و مصداق برخورد در یک جامعه معین می‌باشد. ممکن است در مواردی موضوع برخورد ناشی از امر دیگری بغیر از آن موضوع باشد. مثلاً در اختلافات قومی و قبیله‌ای هر امر کوچکی ممکن است به سبب سابقه تقابل قومی و قبیله‌ای بین طرفین منجر به یک اختلاف عمده و اساسی گردد، در حالی که اگر اختلاف قومی بین طرفین وجود نمی‌داشت به احتمال زیاد آن امر کوچک سبب تقابل طرفین نمی‌گردید.

ب: تغییر در کمیت و تنوع برخورد

تغییر دیگر ممکن است ناشی از افزایش یا کاهش کمیت و تنوع برخوردها باشد مثلاً جوانان تا قبل از وارد شدن به سنین ازدواج و کسب و درآمد بالطبع فاقد برخوردهای مالی و ملکی می‌باشند و لذا با افزایش سن فرد، تنوع جدیدی در عرصه برخوردهایش با افراد دیگر بوجود می‌آید، البته ممکن است به همین میزان یا کمتر و بیشتر از برخوردهای دیگرش کاسته شود مثلاً از تقابل او با بچه‌های محل و دیگر گروه‌های نخستین کاسته گردد.

در بعضی مواقع ممکن است در تنوع برخوردها تغییر مهمی رخ ندهد، بلکه کمیت برخورد در موضوع خاصی افزایش یابد، مثلاً برای زنان اعم از شهری و روستائی احتمال مواجهه با مسائل جنسی و ناموسی وجود دارد، ولی این احتمال برای زنان شهری بمراتب بیشتری باشد و در نتیجه تقابل دیگران با زنان در این خصوص در شهرها بیشتر است، حتی با اینکه تعداد قتل در روستاها به نسبت شهرها بیشتر است لیکن این مساله برای زنان شهری به نسبت بیشتری در مقایسه با زنان روستائی اتفاق می‌افتد. در مجموع بعلت دستیابی زنان شهری به نقش اجتماعی بیشتر بر میزان برخوردهای آنان نیز افزوده می‌گردد.

۲- شیوه حل مشکل

توجه به مؤلفه اول به تنهایی کافی نمی‌باشد، بلکه در کنار برخورد و تقابل باید به مفهوم دیگری که همان روش حل اختلاف و تقابل باشد پرداخت. قسمتی از شیوه و نحوه حل اختلاف بستگی به ابزار موجود و امکان به کارگیری آنها دارد و بخشی از آن نیز به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی وابسته است. به عنوان مثال گرچه مجازات قتل عمد (در صورت اثبات) قصاص می‌باشد

ولی زبینه‌های اجتماعی و فرهنگی در میان بعضی از قبایل استان لرستان استفاده از این روش قانونی را تشویق نمی‌کنند و تنها راه حل اختلاف را قصاص قومی می‌دانند، یعنی تنها قبیله مقتول می‌بایست یکی از افراد قبیله قاتل (این فرد لزوماً شخص قاتل نمی‌باشد) را قصاص کند و به اعدام قاتل از طریق حکومت مرکزی قناعت نمی‌نماید.

در این مورد اگرچه ابزار موجود برای قصاص قاتل فراهم است ولی خانواده و قبیله مقتول این امر را برای تشفی خاطر خود کافی نمی‌دانند و به شیوه‌های دیگر متوسل می‌گردند.

در بعضی موارد دیگر ابزار حل اختلاف از انجام وظیفه خود قاصر است و یا حداقل نسبت به قشری از جامعه قصور می‌ورزد. مثلاً در مسایل مالی و ملکی در روستاها و طبقات پایین جامعه چنین پدیده‌ای مشاهده می‌گردد. به عبارت دیگر روستائیان دارای روابط مالی و ملکی و حقوقی خاصی فی‌مابین خود هستند که مبتنی بر نهادهای سنتی گذشته بوده است و در زمان خود کارا بوده ولی اکنون دستگاههای قضایی و انتظامی جدیدی بوجود آمده‌اند که توانایی احقاق حقوق آنها را ندارند و یا اگر هم داشته باشند ممکن است مخارج احقاق حق از اصل حق و حقوق فزاینده، این دستگاهها بیشتر متناسب با قشر باسواد و شهری می‌باشند، در چنین مواردی ممکن است طرفین به ابزار دیگری جهت رفع اختلاف توسل جویند، تقریباً مشابه این تفسیر را می‌توان برای علل بالا بودن قتل در میان پناهندگان افغانی ارائه نمود، زیرا پناهندگان هم ابزار سنتی حل اختلاف خود را که مبتنی بر نهادهای اجتماعی‌اشان بوده است از دست داده‌اند و هم دچار نوعی بیگانگی شدید بانهادهای رسمی ایران می‌باشند. لذا به روشهای شخصی در حل اختلاف توسل می‌جویند و نتیجه آن به بالاتر بودن میزان قتل منجر می‌گردد.

در مواردی ابزار رسمی قادر به حل اختلاف مطابق میل یکی از طرفین درگیری نمی‌باشند، به عنوان مثال در بسیاری از قتل‌های ناموسی و جنسی مراجع به دستگاههای قضایی و انتظامی کمکی به حل مشکل مطابق میل پدر، برادر و یا شوهر نمی‌نماید، و لذا آنها رأساً دست بکار می‌شوند، در بیشتر این موارد قتل به عنوان نوعی از مجازات بکار برده میشود، مثل دختر یا خواهر کشی در میان قبایل خوزستان و مردم دیگر استانها اعم از شهر یا روستا.

این نوع شیوه‌های مجازات در میان جوامع گذشته و نسبتاً بسته‌تر بیشتر معمول بوده است.^{۱۲}

اکنون نیز به تناسب توسعه اجتماعی تا حدود زیادی این گونه رفتارها تغییر می‌یابد ولی هنگامی که روند توسعه سریع باشد در جوامع انتقالی بر میزان برخورد و توسعه مفهوم برخورد و یا عدم کارائی روشهای حل اختلاف افزوده شده، منجر به بالا رفتن تعداد قتل می‌گردد. هنگامی که عرضه نوع خاصی از ابزار حل اختلاف در جامعه فزونی یابد، طبعاً گرایش به استفاده

از آن نیز بیشتر می‌گردد به عنوان مثال سلاح گرم از جمله ابزاری است که می‌تواند برای رسیدن به هدف خاصی از طریق زور و قتل استفاده شود، اگر چنانچه این وسیله بسهولت یافت شود طبیعی است که در بعضی از اختلافات طرفین دعوا یا یکی از آنها به استفاده از آن تشویق گردد، داشتن سلاح گرم فی نفسه فرهنگ و روحیه خاصی را بوجود می‌آورد که آن را به عنوان پرخاشگری و خشونت می‌توان شناخت، و بدیهی است که این فرهنگ فرد را به شیوه‌هایی از حل مشکلات سوق می‌دهد که منجر به درگیری و قتل می‌گردد. این مشکل در تفاوت شیوه‌ها و مقدار قتل در استانهای مختلف کشور روشن می‌باشد.

با توجه به مطالبی که گفته شد بررسی و مطالعه پدیده قتل با دشواری ویژه‌ای مواجه می‌شود، مثلاً در این تحقیق مجموعه افراد متهم یا محکوم به قتل عمد جزو جامعه آماری محسوب شده‌اند در حالی که این جامعه دارای یک مفهوم حقوقی از قتل می‌باشد و مطالعه آن لزوماً ما را به نتایج حقیقی قتل عمد رهنمون نمی‌سازد، زیرا از نظر جامعه‌شناسی و با توجه به مطالب گذشته تفاوت کاملاً بارزی میان قاتلی است که مورد تهاجم قرار گرفته و برای دفاع خود مهاجم را کشته است با قاتلی که به قصد کشتن مقتول و یا ضربه زدن به وی حمله کرده است. نمی‌توان تنها به صرف زنده یا مرده بودن افراد آنها را به مفهوم دقیق کلمه به قاتل و مقتول تقسیم نمود، چون ممکن است بسیاری از افرادی که به هیچ وجه قصد کشتن کسی را ندارند مورد تهاجم واقع شوند و برای دفاع از خویش طرف را بقتل برسانند.

بنابراین هر تحقیق عمیق که بخواهد نسبت به قتل صورت پذیرد لازمست که راه‌هایی را برای تفکیک این دو نوع قاتل از یکدیگر پیدا کند، گرچه بسیاری از قاتلین از ترس مجازات به حقیقت اسر اعتراف نمی‌کنند.

پیشنهادات

گرچه هدف نهایی هر تحقیقی کسب اطلاعات و دیدگاه‌های صحیح نسبت به موضوع تحقیق است تا با استفاده از آن در جهت بهبود وضعیت موضوع اقدام گردد، ولی این امر در علوم اجتماعی بدین مفهوم نمی‌باشد که با استفاده از هر تحقیقی هر چند گسترده بتوان راه‌حل‌هایی را برای رفع ناهنجاریهای موضوع تحقیق ارائه نمود، خصوصاً که بین ناهنجاری با ناهنجاریهای دیگر تاثیر متقابل وجود دارد و چه بسا که مقابله و برخورد با یک ناهنجاری در شرایطی سبب افزایش ناهنجاریهای دیگر گردد.

با استفاده از مطالعه حاضر می‌توان پیشنهادات زیر را در مورد قتل‌های مختلف بیان نمود:

الف: قتل‌های مالی و ملکی

شاید مهمترین تاثیری که دستگاه‌های حکومتی در تعدیل تعداد قتل می‌توانند ایفا کنند مربوط به این گونه قتل‌هاست، از آنجا که بیشترین قتل‌های مالی و ملکی که در مراجع رسمی هم مطرح شده و یا نشده باشد در روستاها رخ می‌دهد. لازمست که دستگاه‌های رسمی حل اختلاف از جمله مراجع قضایی به نحو مطلوبی کارآیی خود را در حل این گونه اختلافات در روستاها بالا ببرند شاید علت اصلی عدم کارآیی این دستگاه‌ها در حل اختلافات مالی و ملکی روستا، مخارج زیاد حل اختلاف و آمد و شد به شهر و نیز عدم تطابق فرهنگی ناشی از سواد کمتر و مسائل دیگر بین روستائیان و دستگاه قضایی باشد، برای این منظور می‌تواند دادگاه‌های سیاری که قضات آن با فرهنگ روستایی کاملاً آشنایی داشته باشند تشکیل شود تا در محل به اختلافات رسیدگی و حکم صادر نمایند و طبعاً در این شرایط قضایی به تبعات حکم خود بهتری برده و با بصیرت بیشتری به صدور رای اقدام می‌نمایند.

ب: قتل‌های جنسی

شاید زمینه‌های فرهنگی موجود که سبب قتل افراد فاسد و طرفین روابط نامشروع می‌گردد یکی از عوامل موثر در ممانعت از رشد جریانات فساد اخلاقی و جنسی باشد و لذا هر گونه برنامه ریزی جدی برای محو این فرهنگ احتمالاً به افزایش فساد اخلاقی و روابط نامشروع منجر می‌گردد. ولی برای کاهش آن در بعضی مناطق خصوصاً خوزستان لازم است که قتل، جرمی عمومی تلقی شده و با رضایت صاحب خون نیز قاتل آزاد نشود و مدتی را بعنوان مجازات در زندان بسر برد.

ج: قتل‌های پوشاندن جرم دیگر

بسیاری از افرادی که این قتل را مرتکب می‌شوند، در لحظه قتل به این نتیجه می‌رسند که با کشتن فرد یا افراد مورد نظر از مشکلات دیگر رهایی می‌یابند، ضمن اینکه امکان دستگیری خود را منتفی و یا ضعیف می‌دانند، البته در قتل‌های دیگر هم بعضاً قاتلین چنین فکری را دارند، برای کاهش این قبیل قتل‌ها بهترین راه تبلیغات و دادن آگاه‌های لازم به مردم است، که این آگاهیها مبین آن است که احتمال به دام نیفتادن قاتلین برخلاف بعضی از جرایم دیگر بسیار کم و در حد صفر می‌باشد، این امر از طریق مطبوعات، و رادیو تلویزیون و حتی کتب درسی و غیره می‌توان به اطلاع مردم رسانده شود.

د: قتل‌های قومی و قبیله‌ای

گرچه عامل سواد بر انواع جرایم تاثیر مستقیمی دارد ولی در زمینه قتل‌های مالی و قومی

تاثیر آن بیشتر است، لذا تاکید بر افزایش سواد روستائیان و حتی مناطق شهری تاثیر مهمی در کاهش روحیات خشونت‌آمیز و یادگیری روشهای حل اختلاف از طریق مراجعه به مراکز رسمی حل اختلاف دارد.

ه: قتل‌های متفرقه و اخلاقی

این قبیل قتلها بیشتر در اثر اختلافات آنی و بر اثر هیجانات روحی و روانی اتفاق می‌افتد بیان سرنوشت این‌گونه قاتلین و پشیمانیهای بعدی آنان تاثیر قابل توجهی بر کاهش این‌گونه قتلها می‌تواند داشته باشد.

از نکات دیگری که در افزایش قتل موثر است وجود سلاح گرم فراوان در بعضی نقاط کشور و مناطق روستایی است که برخورد قانونی با وجود این سلاحها ضرورت دارد. همچنین وجود تصویری غلط که فکر می‌شود در صورت حضور شریک در قتل، قاتلین از اعدام و قصاص رهایی می‌یابند احتمالاً سبب افزایش قتل می‌باشد، و لذا می‌بایست مواد قانونی مربوط به این امر را به صورتی به اطلاع جامعه رساند. البته قابل ذکر است که در اینجا مواردی عنوان شد که جنبه اجرایی داشته باشد، در غیر این صورت مطالعه متن حاضر به خواننده نشان می‌دهد که در تحت چه شرایطی تا عنجاری اجتماعی قتل کاهش خواهد یافت.

یادداشتهای:

- ۱- فروم اریک، آناتومی ویرانسازی انسان. پرخاشجویی و ویرانسازی، ترجمه ۱. صبوری، تهران ۱۳۶۱، ص ۱۱
- ۲- الیوت ارونسون، روانشناسی اجتماعی، ترجمه دکتر شکر کن، اهواز، ص ۱۹۲.
- ۳- همان.
- ۴- فروم، همان ص ۱۲.
- ۵- ارونسون، همان ص ۲۰۰.
- ۶- شعاری نژاد، علی اکبر، فرهنگ علوم رفتاری، تهران ۱۳۶۴، ص ۷۴.
- ۷- قانون حدود و قصاص، مصوب ۶/۶/۶۱، مواد ۲ و ۳.
- ۸- این روستا در قوچان است و از سال ۱۳۳۸ تابعه از انقلاب متناوباً درگیری بین اهالی ادامه داشته است.

۹- استخراج شده از گزارشات دفتر طرح و برنامه سازمان زندانها.

۱۰- نتایج سرپوش از گزارشات سالیانه دفتر تشکیلات و بودجه آمار دادگستری استخراج گردیده است.

۱۱- کلیه موارد مقادیر موردانتظار از نتایج سرشماری ۱۳۶۵ محاسبه شده است و برای بدست آوردن اعداد قابل انتظار، عمده‌ترین متغیرها از قبیل محل سکونت (شهر یا روستا) جنسیت، و سن مورد لحاظ قرار گرفته است.

۱۲- در خصوص علت تغییر حقوق زاجره به حقوق جابره و کاسته شدن جنبه های شخصی و انتظامی مجازات و در عوض افزوده گردیدن جنبه های اجتماعی و پیشگیری کننده مجازات و همچنین تغییر در مرجع مجازات که اکنون بیشتر به عهده نهادهای اجتماعی گذاشته می شود، می توان به عقاید دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی فصول ۳ و ۴ و ۵ مراجعه نمود. امیل دورکیم، تقسیم کار اجتماعی، حسن حبیبی. تهران ۱۳۵۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی